

تعلیمی ادبیات

درس یکم: چشمه

کارگاه متن پژوهی

گنج حکمت: خلاصه دانش‌ها

درس دوم: از آموختن، ننگ مدار

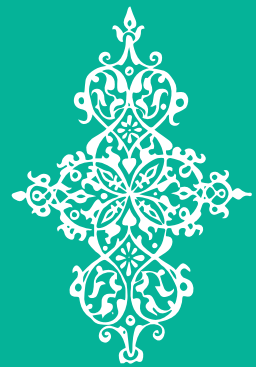
کارگاه متن پژوهی

روان خوانی: دیوار



در این فصل، متن‌هایی را می‌خوانیم که در آنها شاعر یا نویسنده، خواسته است موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه‌ی اندرز بازگو کند؛ برای این کار از داستان یا حکایت در قالب شعر و نثر بهره گرفته است؛ به این گونه آثار ادبی، «ادبیات تعلیمی» می‌گویند.

اثر تعلیمی، اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند. آثار تعلیمی می‌توانند تخیلی - ادبی باشند تا مسئله‌ای را به صورت روایی یا نمایشی با جذابیت بیشتر ارائه دهند. از این گونه آثار ادبی، به ویژه در کتاب‌های درسی و ادبیات کودک و نوجوان بهره می‌گیرند. بسیاری از شاهکارهای ادبی (قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی معنوی و...) و برخی آثار طنز، جنبه‌ی تعلیمی دارند.



چشمه / پیرایه خرد حکمت

واژه‌های اصلی :

نادره: بی‌همتا، شگفت‌آور	شکن: بیخ و خم زلف	برازندگی: شایستگی، لیاقت
نیلوفری: صفت نسبی، منسوب به نیلوفر به رنگ نیلوفر لاجوردی، در متن درس، مقصود از «پرده نیلوفری»، آسمان لاجوری است.	صورت شدن: به نظر آمدن، تصور شدن	پیرایه: زیور و زینت
هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی	غُلفه زن: شور و غوغا کنان	تیزیا: تندرو، تیزرو
ورطه: گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری	کُلبن: بوته یا درخت گل، به ویژه بوته گل سرخ	جافی: ستمگر ظالم
یله: رها، آزاد / یله دادن: تکیه دادن	نمط: روش، طریقه / زین نمط: بدین ترتیب	حازم: محتاط
	معرکه: میدان جنگ، جای نبرد	خیره: سرگشته، حیران فرومانده
	مکاید: جمع، مکیدت، مکرها، حيله‌ها	دست برد: هجوم و حمله / دست‌برد دیدن:
	میعاد: وعده قرار / میعاد نهادن: قرار	مورد حمله و هجوم قرار گرفتن

واژه‌های فرعی:

سهمگن: سهمگین، ترسناک	چهره نما: خودنما	آبگیر: برکه
صواب: درست، مصلحت	حامل: در بردارنده، حمل کننده	بحر: دریا
فلك: آسمان	حزم: احتیاط	بر: نزد و پهلو
گریبان: یقه	دمیدن: روییدن	بن: زیر
مدهوش: حیران و سرگشته	راست: عیناً، درست	تفج: گشت و گذار
همسری: برابری	زهره: کیسه صفر، زهره در: هولناک	جادو: جادوگر

واژه‌های مهم املائی:

مبدأ و آغاز	صواب و مصلحت	حازم و محتاط
مدهوش و سرگشته	صورت و ظاهر	حامل و حمل کننده
معرکه و میدان جنگ	طبع و خصلت	حزم و احتیاط
نمط و روش	غُلفه زن و غوغاکنان	زهره و جرئت
	لیاقت و شایستگی	سهمگین و ترسناک

واژه‌های هم‌آوا:

غالب: پیروز / قالب: شکل و پیکر	بحر: دریا / بهر: برای
قضا: تقدیر / غزا: جنگ / غذا: طعام	حازم: محتاط / هاضم: هضم کننده / هازم: فراری دهنده دشمن
منسوب: نسبت داده شده، وابسته / منصوب: گماشته (به شغلی گماشته شده)	حزم: احتیاط / هزم: شکست دادن و فراری دادن دشمن / هضم: گوارش غذا
	خواست: تمناً کرد، اراده کرد / خاست: بلند شد

یادداشت

Lined writing area with horizontal dashed lines.

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱ معنای واژه‌های مشخص شده را با معادل امروزی آنها مقایسه کنید.
- در متن درست «درست و عیناً = قید است» امروزه به معنی سمت راست یا سفین درست
- در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چومنی همسری؟
داده تنش بر تن ساحل، یله
- ۲ بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید.
- «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله زن، چهره نما، تیزپا»
يك چشمه‌ای در حالت جوشان، خودنما و تندرو از سنگی جدا گشت.

قلمرو ادبی

- ۱ هر یک از بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.
- چون بگشایم ز سرمو، شکن
ماه بیند رخ خود را به من
- ۲ گه به دهان، بر زده کف، چون صدف
ماه بیند رخ خود را به من
- ۳ با توجه به شعر نیما، «چشمه» نماد چه کسانی است؟
انسان مغرور، خودخواه - خودپسند
- ۴ می‌گویند. مضاف‌الیه ممتعم
نمونه: «حرف‌هایم مثل یک تکه چمن روشن بود.»
در این نمونه، سپهری از «روشن بودن حرف» سخن گفته است. «روشن بودن» امری دیدنی و «حرف»، شنیدنی است. شاعر در این مصراع، دو حس بینایی و شنوایی را با هم آمیخته است. نکته: آمیختگی حواس ظاهری به حس باطنی هم حس آمیزی است: بوی وفا - بوی محبت و ...
نمونه‌ای از کاربرد این آرایه ادبی را در سروده نیما بیابید.

- ۴ هر واژه امکان دارد در معنای حقیقی و یا معنای غیر حقیقی به کار رود. به معنای حقیقی واژه، «حقیقت» و به معنای غیر حقیقی آن، «مجاز» می‌گویند. «حقیقت»، اولین و رایج‌ترین معنایی است که از یک واژه به ذهن می‌رسد. «مجاز»، به کار رفتن واژه‌ای است در معنی غیر حقیقی؛ به شرط آنکه میان معنای حقیقی و معنای غیر حقیقی واژه، ارتباط و پیوندی برقرار باشد؛ مثال:

پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار
پس دیوار، گوش
تا نباشد در پس دیوار، گوش
تا نباشد در پس دیوار، گوش

هر جا که هستی مواظب سخن گفتنت باش تا انسان جاسوسی سخنانت را نشنود.

مفهوم بیت: کوهش غیبت و سفین پینی کردن

الف) معنی لغت = معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- ۱- تویی رزاق هر پیدا و پنهان (لرستان - ۱۴۰۲)
- ۲- الهی فضل خود را یار ما کن (آبادان - ۱۴۰۱)
- ۳- زهی گویا ز تو کام و زبانه (فوزستان - دی ۱۴۰۲)
- ۴- دستبرد زمانه جافی گردیده بود. (تبریز، تیزهوشان - ۱۴۰۲)
- ۵- چون صورت شد که مرده است، بینداخت (تهران، علامه هلی - ۱۴۰۲)
- ۶- در دفع مکاید دشمن تأخیر جایز نیست. (آبادان، تیزهوشان - ۱۴۰۲)
- ۷- زین نمط آن مست شده از غرور (تهران، فاطمه الزهرا - ۱۴۰۱)
- ۸- کیست کند با چو منی همسری؟ (تهران، فاطمه الزهرا - ۱۴۰۱)
- ۹- خواست کز آن ورطه قدم در کشد. (تبریز - فرز انگان - ۱۴۰۲)
- ۱۰- گفت در این معرکه یکتا منم. (قطب شهید مدرس - ۱۴۰۲)
- ۱۱- داده تنش بر تن ساحل یله (فوزستان، صبح - دی ۱۴۰۲)

ب) املا

الف - در همهی گزینه‌های زیر غلط املائی وجود دارد. آن را بیابید و درست آن را بنویسید. (آبادان، فرز انگان - آبان ۱۴۰۱)

- ۱- گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رذاق بود (۲) زین نمت بیهوده می‌گفت آن شبان
- ۳- فروق رویت اندازی سوی خاک (۴) عاقل در دفع مکاید دشمن تأخیر ثواب نبیند.

ب - املائی واژه‌های (خواست - خاست) در کدام گزینه‌ها نادرست آمده است؟ (مدارس برتر - اسفند ۱۴۰۲)

- الف) روزی که آه من به هوا خواهی تو خواست (ب) خواست دلم آنچه را که سهم دلم نیست
- ج) پدرم خاست که فرزند مطیعی بشوم (د) فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست

ج - در هر یک از مصراع‌ها و عبارت‌ها «واژه هم‌آوا» وجود دارند. هم‌آوای آن را با معنا بنویسید.

- ۱- دید یکی بحر خروشنده‌اند ← هم‌آوا معنی (قم - دی ۱۴۰۱)
- ۲- خواست کز آن ورطه قدم در کشد ← هم‌آوا مترادف (لرستان، تیزهوشان - آبان ۱۴۰۰)
- ۳- در آبیگری سه ماهی بود دو حازم یکی عاجز ← هم‌آوا معنی (فوزستان، صبح - دی ۱۴۰۰)
- ۴- از قضا روزی دو صیاد از آن جا گذشتند ← هم‌آوا مترادف (آبادان - دی ۱۴۰۱)
- ۵- عاقل در دفع مکاید دشمن تأخیر صواب نبیند ← هم‌آوا معنی (فوزستان، عصر - دی ۱۴۰۱)
- ۶- آنکه غفلت بر احوال وی غالب و عجز در افعال وی ظاهر بود ← هم‌آوا مترادف (تیزهوشان فراسان، بهمنور - دی ۱۴۰۲)
- ۷- آنکه حزم زیادت داشت سبک روی به کار آورد ← هم‌آوا مترادف (تهران، فاطمه الزهرا - ۱۴۰۱)

د - در عبارت زیر غلط املائی را پیدا کنید و درست آن را بنویسید.

- ۱- آنکه غفلت بر احوال وی قالب و عجز در افعال وی ظاهر بود؛ حیران و مدحوش می‌رفت. (آبادان، تیزهوشان - ۱۴۰۲)
- ۲- در آبیگری سه ماهی بودی، دو هازم یکی آجز از غزا روزی صیادان بر آن گذشتند و با یکدیگر میعاد نهادند که دام بیارند و هر سه را بگیرند. (تهران، فاطمه زهرا - ۱۴۰۱)

سوالات درس ۱ و تائیس - سال دهم

ه- در هر یک از موارد زیر نادرستی املائی وجود دارد، شکل درست آن را بنویسید.

- ۱- زین نمت آن مست شده از غرور (تبریز، تیزهوشان - ۱۴۰۲)
- ۲- در آگیری سه ماهی بود: دو حاذم، یکی عاجز (تبریز، فرزاتگان - ۱۴۰۲)
- و- املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.
- ۱- در آگیری سه ماهی بود: دو (هازم - حازم) و یکی عاجز.
- ۲- (خواست - خاست) کز آن (ورطه - ورته) قدم درکشد. (فوزستان، صبح - دی ۱۴۰۲ / لرستان - دی ۱۴۰۲)
- ۳- آن که غفلت بر حال وی (قالب - غالب) و عجز در افعال وی ظاهر بود. (لرستان، تیزهوشان - دی ۱۴۰۲)
- ۴- عاقل در دفع مکاید دشمن تأخیر (ثواب - صواب) نبیند. (فوزستان، عصر - دی ۱۴۰۲)
- ۵- زین (نمط - نمت) آن مست شده از غرور (یزد، ناهیه ۱ - بهمن ۱۴۰۲)
- ۶- (فروغ - فروق) رویت اندازی سوی خاک (قم - دی ۱۴۰۲)

ج) دستور

الف- در ابیات و مصراع‌ها، جواب هر قسمت خواسته شده را بنویسید.

- ۱- به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کردم آدم از کفی خاک (بخش حذف شده - به چه قرینه‌ای است؟) (یزد - دی ۱۴۰۲ / بجنورد، تیزهوشان - دی ۱۴۰۲)
- ۲- در این میان صیادان برسیدند (زمان و نوع فعل) (یزد - دی ۱۴۰۲)
- ۳- چو بگشایم ز سر موشکن ماه بیند رخ خود را به من (به شیوه عادی مرتب کنید) (قم - دی ۱۴۰۲)
- ۴- قطره باران که در افتد به خاک زو بدمد پس گهر تابناک (یک ترکیب وصفی یک ترکیب اضافی) (سبزوار، شهید فرومندی - دی ۱۴۰۲)
- ۵- گشت یکی چشمه زسنگی جدا / غلغله زن، چهره نما، تیزپا (به شیوه عادی مرتب کنید) (فوزستان، صبح - دی ۱۴۰۲)
- ۶- با توجه به عبارت «عاقل از منافع دانش هرگز نومید نگردد و در دفع مکاید خطرناک دشمن تأخیر صواب نبیند».
- الف) نقش دستوری واژه‌های «منافع - نومید - صواب» را بنویسید.

ب) در گروه «مکاید خطرناک دشمن»، «هسته و وابسته» را مشخص کنید و سپس نوع وابسته‌ها را بنویسید.

۷) نقش واژه مشخص شده را در بیت (چو در وقت بهار آیی پدیدار / حقیقت پرده برداری ز رخسار) = (نهاد - مسند - قید) را انتخاب کنید.

- (فراسان، قطب شهید هاشمی نژاد - آذر ۱۴۰۲)
- ۸) در مصراع «به نام کردگار هفت افلاک» هر یک از اجزای مشخص شده زیر را بنویسید.
- الف) نهاد مفعول فعل

- ب) نهاد و فعل حذف به چه قرینه‌ای هستند؟ (فراسان شمالی، بجنورد، تیزهوشان - ۱۴۰۲)
- ۹- مصراع «تویی خلاق هر دانا و نادان» به ترتیب اجزای جمله مرتب کنید. (قطب شهید مدرس - دی ۱۴۰۲)

۱۰- در بیت نمی‌دانم، نمی‌دانم الهی / تو دانی و تو دانی آنچه خواهی) حذف به قرینه معنایی صورت گرفته است. (شهید هاشمی نژاد، فراسان رضوی - ۱۴۰۲)

نادرست درست

۱۱) در کدام گزینه، نقش دستوری واژه مشخص شده با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟ (فراسان شمالی، بجنورد، تیزهوشان - ۱۴۰۲)

الف) گه به دهان برزده کف چون صدف ب) عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک

ج) گاه چو تبری که رود بر هدف د) راست به مانند یکی زلزله

سوالات درس ۱ و سائیش - سال دهم

۱۲) نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

- (الف) گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / غلغله زن، چهره نما، تیزیا
(ب) تویی رزاق هر پیدا و پنهان
(ج) ابر ز من حامل سرمایه شد
(د) الهی فضل خود را یار من کن
(ه) قطره باران که در افتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک
(و) وان همه هنگامه دریا بدید
(ز) گه به دهان بر زده کف چون صدف
(ح) عجایب نقش ها سازی سوی خاک
(ط) راست به مانند یکی زلزله
- (ریز - دی ۱۴۰۲ / تهران، فاطمه الزهرا - دی ۱۴۰۲)
(لرستان، تیزهوشان - دی ۱۴۰۲)
(تبریز، تیزهوشان، دی ۱۴۰۲)
(فاطمه الزهرا - دی ۱۴۰۲)
(قطب شهید مدرس - دی ۱۴۰۲)
(تهران، تیزهوشان - دی ۱۴۰۲)
(فراسان شمالی، بفتورد، تیزهوشان - دی ۱۴۰۲)
(لرستان، تیزهوشان - دی ۱۴۰۲)

قلمرو ادبی

- ۱- در بیت زیر کدام گروه از آرایه های ادبی وجود دارد؟
«لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین سخنی گوش ماند»
(الف) حس آمیزی - کنایه - مجاز (ب) واج آرای - استعاره - متناقض نما
- ۲- بیت زیر را از نظر کاربرد آرایه «حسن تعلیل» بررسی کنید.
«گل از شوق تو خندان در بهار است از آتش رنگ های بی شمار است»
۳- ترتیب مشخص شده زیر چه آرایه ای را به وجود آورده است؟
(الف) در بن این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری
(ب) آرایه های درست هر گزینه را از داخل کمانک مشخص کنید.
(الف) دیگری هم که از پیرایه خرد و ذخیرت تجربت بی بهره نبود. (اضافه تشبیهی - اضافه استعاری)
(ب) ابر ز من حامل سرمایه شد / باغ ز من صاحب پیرایه شد. (استعاره - ایهام)
- ۵- کدام آرایه مقابل بیت درست است؟
«گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ های بی شمار است. (حسن تعلیل - تشبیه)
۶- در تشبیه بیت زیر «مشبهه» را مشخص کنید.
راست به مانند یکی زلزله / داده تنش بر تن ساحل، یله
۷- در بیت زیر، سه آرایه ادبی را بیابید و توضیح دهید.
«لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین سخنی گوش ماند»
۸- در بیت زیر، آرایه «حس آمیزی» را بیابید و با توجه به بیت توضیح دهید؛ این آرایه چگونه شکل گرفته است؟
«لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین سخنی گوش ماند»
(استان فوژستان - آذر ۱۴۰۲)
(استان فوژستان - آذر ۱۴۰۲)
(قطب شهید مدرس - آذر ۱۴۰۲)
(استان لرستان، تیزهوشان - دی ۱۴۰۲)
(تهران، تیزهوشان - دی ۱۴۰۲)
(تهران، تیزهوشان - آبان ۱۴۰۲)
(قطب شهید خرمندی - آذر ۱۴۰۲)

سوالات درس ۱ و ستایش - سال دهم

۹- کدامیک از موارد زیر دربارهٔ شاعر شعر «چشمه» نادرست است؟ (استان قم - دی ۱۴۰۲)

الف) نام او علی اسفندیاری است. ب) او از اهالی یوش بود.

ج) روان‌خوانی «بیرمرد چشم ما بود» از آثار اوست. د) هم‌زمان با جلال آل احمد می‌زیست.

۱۰- کلمهٔ زیر چه آرایه‌ای را به‌وجود آورده است؟

الف) در بن این پردهٔ نیلوفری کیست کند با چو منی همسری (قطب‌شعیر مدرس - آذر ۱۴۰۲)

۱۱- در بیت زیر که توصیف «قطرهٔ باران» از زبان «چشمه» است، کدام گروه از آرایه‌های ادبی دیده می‌شود؟

در بر من ره چو به پایان برد / از خجلی سر به گریبان بزد (آبادان، فرزاتنگان - آبان ۱۴۰۰)

۱) حس آمیزی - تشبیه - تضاد ۲) جناس - کنایه - واج‌آرایی

۳) تناسب - تشبیه - استعاره ۴) تکرار - استعاره - تضاد

۱۲- با توجه به بیت «در بن این پردهٔ نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری» به پرسش‌های زیر پاسخ دهید: (آبادان، فرزاتنگان - آبان ۱۴۰۰)

الف) در مصراع اول «پردهٔ نیلوفری» استعاره از چیست؟ ب) در مصراع دوم «همسری کردن» کنایه از چیست؟

۱۳- در بیت «گه به دهان، برزده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف» یک نمونهٔ جناس مشخص کنید. (آبادان، فرزاتنگان - آبان ۱۴۰۰)

۱۴- با توجه به ابیات زیر از درس «چشمه» از میان جفت جمله‌های زیر کدامیک می‌تواند صحیح باشد؟ علامت بزنید. (فراسان رضوی، قطب‌شعیر هاشمی نژاد - آذر ۱۴۰۲)

بیت ۱: در بن این پردهٔ نیلوفری کیست کند با چو منی همسری

بیت ۲: زین نمط آن مست شده از غرور رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور

بیت ۳: دید یک بحر خوشنده‌ای سهمگنی، نادره جوشنده‌ای

جمله اول	جمله دوم	جمله صحیح
در بیت ۱ «پردهٔ نیلوفری» مجاز از آسمان است.	در بیت ۱ «پردهٔ نیلوفری» استعاره از آسمان است.	فقط اولی فقط دومی هر دو هیچکدام
در مصرع اول بیت ۲ هیچ نوع استعاره‌ای وجود ندارد.	در مصراع دوم بیت ۲ هیچ نوع استعاره‌ای وجود ندارد.	
در بیت ۳ آرایهٔ جان‌بخشی برای چشمه دیده می‌شود.	در بیت ۳ آرایهٔ جان‌بخشی برای دریا دیده می‌شود.	

قلمرو فکری

مفهوم درس ۱ و ستایش

۱- در ابیات «قطرهٔ باران که در افتد به خاک / زو بدمد بس گوهر تابناک

در بر من ره چو پایان برد / از خجلی سر به گریبان برد»

چشمه چگونه از دیگر آفریده‌ها برای خودستایی استفاده کرده است؟

۲- شاعر در بیت «گفت در این معرکه، یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا منم» ویژگی چشمه را بیان کنید. (سبزوار، هماهنگ شعیر فرومندی - ۱۴۰۲)

۳- مفهوم بیت «بلندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد» را بنویسید. (تبریز، تیزهوشان - ۱۴۰۱)

۴- در بیت «چو بگشایم ز سر موشکن ماه ببیند رخ خود را به من» از شعر «چشمه» مصرع اول چه تصویری از چشمه ایجاد کرده است؟

(فراسان رضوی، شعیر هاشمی نژاد - ۱۴۰۲)

سوالات درس ۱ و سایش - سال دهم

- ۵- در بیت «گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ‌های بی‌شمار است» شاعر چه چیزی را دلیل رنگارنگی گل‌های بهار بیان کرده است؟
 (فراسان رضوی، شهید هاشمی نژاد - ۱۴۰۲)
- ۶- در بیت زیر منظور از کلمات مشخص شده چیست؟
 در این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟
 (فراسان رضوی - قطب شهید هاشمی نژاد - آذر ۱۴۰۲)
- ۷- عبارت «هر چند تدبیر در هنگام بلا فایده بیشتر ندهد» یادآور کدام ضرب‌المثل است؟
 (استان لرستان، تیزهوشان - فرورد ۱۴۰۲)
- ۸- در شعر نیما «چشمه» و «دریا» نماد چه کسانی هستند؟
 (فراسان رضوی - قطب شهید هاشمی نژاد - آذر ۱۴۰۲)
- ۹- در مصراع «گل از شوق تو خندان در بهار است» منظور از خندان بودن گل چیست؟
 (تهران، علامه هلی - ۱۴۰۲)
- ۱۰- هریک از مصرع‌های بیت «که به دهان برزد کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف» به کدام صفات چشمه که در بیت زیر بیان شده است، اشاره می‌کند؟
 «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / غلغلزن، چهره‌نما، تیزپا»
 (تهران، علامه هلی - ۱۴۰۲)
- ۱۱- مفهوم کلی بیت «گل به همه رنگ و برازندگی / می‌کند از پرتو من زندگی» کدام است؟
 الف - غرور و تکبر ب - تواضع و فروتنی
 (آبادان، فرزادنگان - آبان ۱۴۰۰)
- ۱۲- در بیت زیر شاعر بر چه مفهومی تأکید می‌کند؟
 هر آن وصفی که گویم بیش از آنی یقین دادم که بی‌شک جان جانی
 (قطب شهید مدرس - آذر ۱۴۰۲)
- ۱۳- مفهوم بیت زیر را بنویسید.
 به‌نام کردگار هفت افلاک / که پیدا کردم آدم از کفی خاک
 (استان قزوستان - آذر ۱۴۰۲)
- ۱۴- پس از رسیدن به دریا، چه تغییری در نگرش و نحوه تفکر «چشمه» ایجاد شد؟
 (استان قزوستان - آذر ۱۴۰۲)
- ۱۵- همه ابیات به جز گزینه بیانگر غرور و خودستایی چشمه است.
 الف) ابر ز من حامل سرمایه شد / باغ ز من صاحب پیرایه شد
 ب) چون بروم سبزه در آغوش من / بوسه زند بر سر و بر دوش من
 ج) در بُن این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری؟
 د) که به دهان برزده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف
 (استان یزد - دی ۱۴۰۲)

قلمرو فکری

معنی ساده و روان (درس ۱)

- بیت‌ها - مصراع‌ها و عبارت‌های زیر را به نثر ساده و روان (به فارسی روان) برگردانید.
- ۱) چون بگشایم ز سر مو، شکن / ماه ببیند رخ خود را به من
 (تبریز، تیزهوشان - دی ۱۴۰۲)
- ۲) ابر ز من حامل سرمایه شد / باغ ز من صاحب پیرایه شد
 (قزوستان، صبح - ۱۴۰۲)
- ۳) آن که حزم زیادت داشت و بارها دست برد زمانه جافی را دیده سبک‌روی به کار آورد.
 (قزوستان، صبح - ۱۴۰۲)
- ۴) که به دهان، برزده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف
 (قزوستان، عصر - ۱۴۰۲)
- ۵) غفلت کردم و فرجام کار غافلان چنین باشد.
 (قزوستان، عصر - ۱۴۰۲)
- ۶) داده تنش بر تن ساحل یله
 (یزد، ناهیه ۱ - ۱۴۰۲)

سوالات درس اوستایش - سال دهم

- ۷) الهی فضل خود را یار ما کن. (خطب شهید فرومندی - آذر ۱۴۰۲)
- ۸) نعره برآورده، فلک کرده کر / دیده سیه کرده، شده زهره در (خطب شهید فرومندی - آذر ۱۴۰۲)
- ۹) گل به همه رنگ و برازندگی / می‌کند از پرتو من زندگی (استان قم - دی ۱۴۰۲)
- ۱۰) دیده سیه کرده، شده زهره در (تبریز، فرز انگان - ۱۴۰۲)
- ۱۱) به نام کردگار هفت افلاک / که پیدا کردم آدم از کنی خاک (فراسان رضوی، قطب شهید هاشمی نژاد - آذر ۱۴۰۲)
- ۱۲) خواست کزان ورطه قدم در کشد / خویشتن از حادثه برتر کشد (فراسان رضوی، قطب شهید هاشمی نژاد - آذر ۱۴۰۲)
- ۱۳) سبک روی به کار آورد. (آبادان، تیزهوشان، ۱۴۰۲)
- ۱۴) قطره باران که درافتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک (استان فوستان، صبح، آذر ۱۴۰۲)
- ۱۵) فروغ رویت اندازی سوی خاک / عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک (تهران، علامه هلی - ۱۴۰۲)
- ۱۶) گفت در این معرکه یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا منم (تهران، علامه هلی - ۱۴۰۲)
- ۱۷) در بن این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری (استان لرستان، تیزهوشان - ۱۴۰۲)

قلمرو زبانی

الف) معنای لغت

- (ب) فعل = حذف به قرینه معنایی
- چون فعل (آغاز می‌کنم) را از طریق معنا فهمیدیم به همین دلیل حذف فعل به قرینه معنوی است.
- ۱- روزی دهنده ۲- لطف و توجه - رحمت و احسان ۳- خوشا - آفرین - ۹- تو خلق‌کننده هر دانا و نادان هستی.
- شگفتا ۴- هجوم و حمله / ستمگر - ظالم ۱۰- درست است. هر منادا (الهی) همیشه حذف به قرینه معنایی است
- ۵- تصور شدن - به نظر آمدن ۶- جمع مکیدت، مکرها، حيله‌ها ۷- روش (خدایا با تو هستم).
- ۸- برابری - همانندی ۹- گرداب - گودال - مهلکه - گرفتاری ۱۰- ۱۱- گزینه ب = نقش‌های عجیب = مفعول است.
- میدان جنگ - جای نبرد ۱۱- رها - آزاد

ب) املا

- ۱- رزاق ۲- نمط ۳- فروغ ۴- صواب
- ب) الف) خاست (بلند شدن) ج) خواست
- ۱- بهر = برای ۲- خاست، بلند شدن ۳- هاضم = هضم‌کننده غذا
- ۴- غذا = خوراکی یا غذا = جنگ ۵- ثواب = پاداش ۶- قالب = شکل ۷- هضم = گوارش
- د) ۱- غالب = چیره / مدهوش = حیران ۲- حازم = دوران‌دیش / عاجز = ناتوان / از قضا = اتفاقاً
- ه) ۱- نمط = روش ۲- حازم (دوران‌دیش)
- و) ۱- حازم ۲- خواست ۳- غالب ۴- صواب ۵- نمط ۶- فروغ

ج) دستور

- الف) ۱- در مصراع اول = فعل آغاز می‌کنم = حذف به قرینه معنوی (معنایی)
- ۲- ماضی ساده = سوم شخص جمع
- ۳- چون ز سر مو، شکن بگشایم ماه رخ خود را به من (به واسطه من) ببیند.
- ۴- قطره باران (ترکیب اضافی = باران‌تر است معنا نمی‌دهد = مضاف‌الیه است)
- گهر تابناک (ترکیب وصفی = تابناک‌تر است معنا می‌دهد = صفت بیانی است).
- ۵- یک چشمه غلغله‌زن، چهره‌نما و تیزی از سنگی جدا گشت.
- ۶- الف) به ترتیب = متمم - مسند - مسند (تأخیر را چطور نمی‌بیند = صواب).

قلمرو ادبی (آرایه)

- ب) مکاید = هسته (اولین واژه کسره‌دار است) - / خطرناک = تراست =
- معنا می‌دهد = صفت بیانی / دشمن = تراست = معنا نمی‌دهد، مضاف‌الیه
- است (توجه! هر کسره (ی) نشانه یک وابسته پسین است.
- ۷- قید است (چون قابل حذف است = حقیقتاً)
- ۸- الف) من سخنم را به نام خداوند آسمان‌ها آغاز می‌کنم /
- نهاد مفعول فعل

پانجمه درس او ستایش - سال دهم

- ۳- استعاره از «آسمان نیلگون». در اشعار هر واژه‌ای که بعد از «این و آن» بیاید
 ۱۴- سکوت کردن و تواضع گزیدن.
- و در معنای حقیقی خود نباشد (مفهوم مجازی باشد) یا استعاره است یا مجاز.
 ۱۵- (د) الف (مصراع اول و دوم) - ب (مصراع دوم) - ج (مصراع دوم) بیانگر
- ۴- الف) اضافه تشبیهی (خرد مثل زیور و زینت است) / استعاره از گل‌ها و
 غرور و خودستایی چشمه است ولی در بیت (د) نشانگر خروشان بودن -
- سبزه‌ها. واژه‌ای پیرایه در معنای غیرواقعی به کار رفته است. بین معنا و خود
 شتابان بودن است.
- واژه رابطه تشبیه وجود دارد = استعاره است). (گل‌ها مثل، پیرایه هستند)
- ۵- حسن تعلیل (مثل سوال ۲ آرایه)
 ۱- (من چشمه) وقتی آرام و بدون موج می‌شوم ماه چهره خود را در
- ۶- هر واژه بعد از ادات تشبیه بیاید حتماً «مشبه به» است. (یک زلزله)
 وجود زلال و صاف من می‌بیند.
- ۷- حس آمیزی - کنایه - مجاز (رجوع شود سؤال یک قسمت قلمرو ادبی)
 ۲- ابر با وجود من باران‌زا می‌شود گل‌های زیبایی باغ به واسطه من پدید می‌آیند.
- ۸- آمیختگی حس شنوایی (سخن) و حس چشایی (شیرین)
 ۳- آن ماهی که خیلی محتاط بود و بارها مورد حمله روزگار ستمگر قرار -
- ۹- ج) (از آثار جلال آل احمد است درباره شرح زندگانی نیمایوشیج است)
 گرفته بود (باتجربه بود) فوراً دست به کار برای فرار شد.
- ۱۰- استعاره از آسمان نیلگون
 ۴- چشمه گاهی کف‌های سفید مثل صدف بر دهان داشت و گاهی مانند
- ۱۱- ۲ (در - بر = جناس) / - تکرار واج (ر - ب - ن = واج آرایه). کنایه از
 تیر شتابان به سمت هدفش می‌رفت.
- سکوت کردن و پنهان شدن
 ۵- ماهی دوم گفت: غفلت ورزیدم و سرانجام کار غافلان این است.
- ۱۲- الف) استعاره از آسمان آبی رنگ / ب) کنایه از برابری نکردن - غرور ورزیدن
 ۶- دریا بدنش را به ساحل تکیه داده بود (لم داده بود).
- ۱۳- صدف - هدف = جناس ناهمسان (ناقص)
 ۷- خدایا لطف و بخشش خود را همراه ما کن.
- ۱۴- الف) جمله دوم صحیح است / ب) جمله اول و دوم صحیح است / پ)
 ۸- چشمه دید دریا فریاد بلندی می‌زند و گوش فلک را کر و چشمانش را -
- جمله اول صحیح است.
 سیاه کرده و باعث وحشت و ترس شده بود.
- ۹- گل سرخ با همه رنگارنگی و شایستگی خود در اثر نور من زندگی می‌کند.
- قلمرو فکری**
- ۱- چون باعث رویش گل‌های زیبا و درخشان می‌شود.
 ۱۰- مصراع دوم سوال (۸)
- ۲- می‌گوید من یگانه عالم طبیعت هستم باعث فخر گل و دشت هستم.
 ۱۱- به نام خداوند عالم هستی سخنم را آغاز می‌کنم. خداوندی که انسان را
- ۳- فروتنی باعث والامقامی و عزت می‌شود.
 از یک مشت خاک خلق کرد.
- ۴- زلال و بدون موج بودن
 ۱۲- چشمه خواست از آن مهلکه و گرفتاری دوری کند و خود را از مواجهه با
- ۵- عشق به خداوند عامل همه زیبایی‌هاست.
 دریا نجات دهد.
- ۶- آسمان - برابری کردن
 ۱۳- فوراً دست به کار برای فرار شد.
- ۷- نوشدارو بعد از مرگ سهراب بی‌فایده است یا علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.
 ۱۴- قطره باران که بر زمین می‌افتد از آن گل‌های زیبایی می‌روید.
- ۸- چشمه = نماد انسان‌های خودشیفته و مغرور / دریا = نماد انسان‌های
 ۱۵- در فصل بهار پرتوی از روی زیباییت را بر زمین می‌افکنی و بدین گونه
- بزرگ و بخشنده
 نقش‌های شگفت‌انگیزی را بر روی زمین پدید می‌آوری.
- ۹- شکوفا شدن گل سرخ
 ۱۶- چشمه گفت: در این عالم طبیعت من یگانه و تک هستم و باعث
- ۱۰- مصراع اول غلغله‌زن و مصراع دوم تیزپا
 افتخار گل‌ها و دشت هستم.
- ۱۱- الف (ویژگی چشمه)
 ۱۷- در زیر این آسمان لاجوردی هیچ کس نمی‌تواند با من ادعای برابری و
- ۱۲- وصف ناپذیری خداوند (نتوان وصف تو گفتن)
 همانندی کند.
- ۱۳- خالق بودن خداوند و آفرینش انسان از خاک

از آموختن، ننگ مدار / دیوار (روان خوانی)

واژه‌های اصلی :

تیمار: غم، حمایت و نگاهداشت، توجه / تیمار داشتن: غمخواری و محافظت از کسی	مُحال: بی‌اصل، ناممکن، اندیشه باطل
که بیمار باشد یا به بلا و رنجی گرفتار شده باشد، پرستاری و خدمت کردن	مُستغنی: بی‌نیاز
ضایع: تباه، تلف	مولع: بسیار مشتاق، آزمند
عَمَلِه: جمع عامل، کارگران؛ در فارسی امروز کلمه عمله، به صورت مفرد، به معنی يك تَن کارگر زیر دست بنا به کار می‌رود.	نُموده: نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده
قرابت: خویشی، خویشاوندی؛ در متن درس، منظور «خویشاوند» است.	

واژه‌های فرعی:

بِر و بِر: خیره (معمولاً قید برای نگاه کردن است)	تَل: تپه	نُمای: نشان بده (فعل امر از مصدر نمودن)
بِزِي: زندگی کن (فعل امر از مصدر زیستن)	داد دادن: انصاف و عدل را اجرا کردن	نهاد: سرشست
بِنَگَرْدِي: دگرگون و متغیّر نشوی	رستن: نجات یافتن	نیمه: در روان خوانی به معنی آجر نصف شده است.
به سزا: شایسته	رَعِشَه: لرزیدن	هنر: فضیلت، دانش
	مِیاسا: استراحت نکن (فعل نهی از مصدر آسودن)	

واژه‌های مهمّ املائی:

آزمند و حریص	خُرده و ریزه
اصرار و پافشاری	ضایع و تلف
بغض و کینه	عمله و عامل
حوض آب	مستغنی و بی‌نیاز

واژه‌های هم‌آوا:

حیاط: محوطه بدون سقف ساختمان / حیات: زندگی	قَدَر: اندازه، ارزش / عَدَر: خیانت و حيله
خُرَد: کوچک / خورد: تناول کرد	قرابت: نزدیکی خویشاوندی / غرابت: شگفتی، دوری
خویش: خود / خیش: گاوآهن	
غریب: عجیب، بیگانه / قرب: نزدیک	

حذف تمام اجزای جمله می‌تواند در شعر و نثر اتفاق بیفتد. در میان اجزا، حذف «نهاد و فعل» برایمان مهم است.
انواع حذف: (۱) حذف به قرینه لفظی (۲) حذف به قرینه معنایی (معنوی)

۱- حذف به قرینه لفظی: هم در نهاد است هم در فعل.

الف) هر گاه در دو یا چند جمله، ابتدا نهاد و فعل بیاید؛ همان نهاد و فعل در جمله‌های بعد نیاید، می‌گوییم حذف نهاد یا فعل به «قرینه لفظی» است. می‌تواند این حالت برعکس باشد؛ یعنی در جمله اول نهاد یا فعل حذف شده باشد و در جمله دوم آمده باشد. **مثال:**

① همه کس را به سزا حق شناس باش خاصه قرابت خویش را [حق شناس باش] حذف فعل به قرینه لفظی فعل در جمله اول آمده ولی در جمله دوم حذف به قرینه شده است [لفظی] (درس ۲)

② شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم / زود می‌گذرند [شادی و غم زود می‌گذرند] حذف نهاد به قرینه لفظی. (نهاد در جمله اول آمده ولی در جمله دوم حذف به قرینه لفظی شده است). (درس ۲)

ب) هرگاه «نهاد» به عنوان اسم حذف شده باشد، ولی یکی از شناسه‌ها (م - ی - د - یم - ید - ند) آمده باشد، می‌گوییم نهاد حذف به قرینه لفظی است. **مثال:**

چو در وقت بهار آبی پدیدار / حقیقت پرده برداری ز رخسار (ی در فعل = نهاد تو)

توجه: وجود شناسه‌ها؛ یعنی وجود فعل اسنادی. دلیل بر حذف فعل نیست و معنا و رابط فعل اسنادی‌اند

گفت در این معرکه یکتا منم (من هستم) / تاج سر گلبن و صحرا منم (من هستم): شناسه (م) یعنی وجود فعل (هستم). پس فعل حذف نشده است!!

۲- حذف به قرینه معنایی (معنوی)

فقط در فعل‌هاست. مخصوصاً فعل‌های اسنادی. (است- بود و باشد)

توجه: نهاد هیچ‌گاه حذف به قرینه معنایی نمی‌شود.

الف) اگر در مصراع یا بیتی که معنایش کامل است، فعلی نیامده باشد، با گذاشتن فعل‌های (است، بود و باشد) معنا بدهد، می‌گوییم حذف فعل به قرینه معنایی است.

«به» معنی بهتر ← بعدش حذف فعل داریم به قرینه معنوی: بنده همان به

این فعل‌های (است، بود و باشد) می‌توانند فعل اصلی باشد یا فعل کمکی باشد.

① نعره برآورده، فلک کرده گر / دیده سیه کرده، شده زهره در. (در بیت ۴ جمله وجود دارد و در هر جمله، فعل کمکی (بود) در هر ۴ جمله حذف به قرینه معنایی است. (درس ۱)

② سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری (باشد - باد) / که حق صحبت مهر و وفا نگه دارد حذف فعل اصلی «باشد یا باد» در مصراع اول به قرینه معنایی. (درس ۶)

③ حرام از یک کف دست کاغذ و یک بند انگشت مداد که خسرو به مدرسه بیاورد (حرام باشد) (درس ۱۶)

ب) هرگاه در ابیات و عبارات فعل باشد، یکی از موارد زیر را دیدیم حتماً حذف به قرینه معنایی داریم. عبارتند از: منادا، شبه جمله، جمله قسم، جمله‌های پرسشی بدون فعل.

۱) منادا: (ای - یا + اسم یا اسم + ۱ = منادا) همیشه فعلش (با تو هستم) حذف به قرینه معنایی است.

مثال:

خروشید کای مرد رزم آزمای (منادا) / هم‌آورد آمد مشو باز جای (ای مرد جنگجو با تو هستم = درس ۱۲)

توجه: گاهی با لحن کلام (مخصوصاً در دوم شخص‌ها) اسم منادا داریم بدون نشانه‌های ندا.

صبا (ای صبا) بر آن سر زلف ار دل مرا بینی (فعل دوم شخصی مفرد است) / ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد. (۶)

۲) شبه جمله: (هر منادا یک شبه‌جمله است. یا واژه‌های ساکن‌داری که در ابیات و عبارات معنای جمله می‌دهند) عبارتند از: زهی - خوشا -

آفرین - شگفتا (درس ستایش) - آه (درس ۳) زینهار و شکر (درس ۱۶)

الها! صد هزار مرتبه شکر. = منادا (الها) - شکر (می‌کنم) (درس ۱۶)

۳) جمله‌های قسم:

«به» یا «و» + اسم (معنای قسم خوردن بدهد) = به حرمت آن نام (نیایش درس ۱۸) به جانم - به خدا - ولله و ... یا واژه‌های (قسم و سوگند). **مثال:**

به علی شناختم من به خدا قسم [می‌خورم] خدا را. (درس ۵ شعرخوانی)

۴) جمله‌ها و کلمات پرسشی بدون فعل حذف به قرینه معنایی اند. مثال:

آرزو گفت: از نمایشگاه کتاب چه خبر؟ (داری - است).

چه خبر؟ [است - داری] مرگ عالمی تنها / خاطرش خفته، [است] شاهدش سفری [است]

جان جانان [منادا = با تو هستم]، کجا؟ [است] و رای کجا [است] / گوشه زد با ستاره سحری (خارج از کتاب)

در دو بیت (۶ بار) حذف به قرینه معنایی وجود دارد.

واژه (به) به معنی بهتر باشد بعدش فعل نیامده باشد «حذف به قرینه معنایی» است بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای

آورد (ادبیات ۱۲)

آرایه تشبیه

در میان آرایه‌های ادبی بعد از «کنایه» بیشترین اثربخشی را آرایه «تشبیه و استعاره» دارد.

تشبیه صور خیال زیبایی را در کلام ادبی به وجود می‌آورد که بر پایه استوار است.

۱) ادات تشبیه ← هر واژه یا پسوندی که معنای شباهت می‌دهد (چو - چون (مثل) - به سان - به کردار - وش (خواجه‌وش) (۱۴)

ادات تشبیه را همیشه اول پیدا کنیم چه باشد چه نباشد چه از ما بخواهند چه نخواهند.

۲) هر اسمی که بعد از ادات تشبیه می‌آید، «مشبه به» است. همیشه ویژگی بارز و آشکاری دارد.

۳) هر اسمی که قبل از ادات می‌آید، ۹۹٪ نهاد جمله است، «مشبه» است. اسمی که می‌خواهیم به کسی یا چیزی مانند کنیم.

۴) همیشه ویژگی بارز «مشبه به» «وجه شبه» است که می‌تواند ویژگی مشترک «مشبه و مشبه به» هم باشد.

[ما] از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم (۸) من و برادرم (ما) = مشبه / مانده = ادات تشبیه / دیوانگان = مشبه به / برهنگی و

عاجزی = وجه شبه.

در پیدا کردن تشبیه:

۱) هر کجا ادات تشبیه را دیدیم، تشبیه داریم. قرآن مانند است به بهشت جاودان (۷)

۲) اضافه تشبیهی = هرگاه دو اسم با کسره دیدیم، اسم - اسم. اسم دوم بتواند به اسم اول تشبیه شود = اضافه تشبیهی است که اسم اول =

مشبه به / اسم دوم = مشبه است (همیشه). پیرایه خرد (۱) ← عقل و خرد مثل پیرایه (زبور آلات و طلا) است. (ارزشمندی = وجه شبه)

مشبه ادات تشبیه مشبه به

۳) آئینه صبح (۳) صبح مثل آئینه است. هر دو پاک‌اند و بی‌آلایش و دارای روشنی. / دیوار عدل (۳) بوم محنت - آب اجل - تیر جور (۵) و ...

۴) هرگاه فعل اسنادی (است - بود - شد - گشت و ...) در کلام ادبی در حالت مثبت بیایند و با مثل و مانند معنا بدهند = تشبیه است.

[جبهه] آئینه تجلی همه تاریخ است (۱۰) جبهه مثل آئینه تجلی است (فعل اسنادی)

مشبه ادات مشبه به

دشمن برده ماشین است (فعل اسنادی) (۱۰)

آرایه «نماد»

برخی از واژه‌ها در زبان فارسی یا هر زبان دیگر بیانگر و نشانه یک ویژگی خاص هستند، این گونه واژه‌ها را «نماد» می‌گویند. به عنوان مثال:

ماه و گل و خورشید ← نماد زیبایی / دریا ← نماد گستردگی و وسعت و بخشندگی / کوه ← نماد مقاومت / سنگ و آهن ← نماد سختی /

در درس ۱ ← چشمه نماد غرور و تکبر / دریا ← نماد بزرگ و گستردگی / قطره باران ← نماد تواضع و فروتنی / درس (۲) دیوار ← نماد

جدایی و موانع تفاهم بشری / بنا ← نماد به وجود آورنده جدایی /

درس (۱۷) باران ← نماد پاکی و طراوت / فصل‌ها ← نماد پویایی و دگرگونی / نخل و عنب ← نماد خرمی و رونق

بعضی نمادها می‌توانند «استعاره» هم باشند (در درس‌های بعدی با استعاره آشنا می‌شویم).



A large area of the page is filled with horizontal dashed lines, providing a space for writing notes.